

# تعیین سهم بهینه یارانه انرژی در زیربخش‌های اقتصادی با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و برنامه‌ریزی خطی فازی (FLP)

احمد عاملی<sup>۱</sup>

مهدی صادقی شاهدانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۱/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۳۰

## چکیده

در این مقاله، با استفاده از تحلیل سلسله مراتبی و برنامه‌ریزی خطی فازی، به بررسی تخصیص بهینه یارانه انرژی در بین زیر بخش‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. به این منظور، معیارهایی که یارانه انرژی بر آنها تاثیرگذار است شامل رشد اقتصادی، شدت انرژی، شدت نیروی کار، تورم، هزینه اجتماعی آلودگی هوا و توزیع یارانه انرژی میان دهک‌های هزینه‌ای تعریف شده است. با توجه به اوزان بدست آمده، معیارهای فوق به ترتیب رتبه عبارتند از: تورم، رشد اقتصادی، شدت نیروی کار، توزیع یارانه انرژی میان دهک‌های هزینه‌ای، شدت انرژی و هزینه اجتماعی آلودگی هوا.

نتایج رتبه‌بندی نهایی نشان می‌دهد که رتبه بهینه زیربخش‌های اقتصادی در ایران برای تخصیص یارانه انرژی به ترتیب شامل بخش‌های خدمات، صنعت، کشاورزی، خانگی و حمل‌ونقل است. همچنین، حداکثرسازی کارایی یارانه انرژی در بخش‌های خانگی و حمل‌ونقل از طریق ایجاد تغییرات فناورانه و بهبود الگوی مصرف، ضروری است. نتایج فازی‌سازی نشان می‌دهد که یارانه تخصیص یافته بهینه به بخش‌های خدمات و حمل‌ونقل به ترتیب برابر با  $30/4$  و  $28/6$  درصد از کل یارانه انرژی است.

**واژگان کلیدی:** یارانه، روش تحلیل سلسله‌مراتبی، فازی‌سازی خطی.

JEL: Q48, C61.

## ۱. مقدمه

باتوجه به آمار و ارقام مصرفی و یارانه‌های اختصاص یافته به حامل‌های انرژی ضرورت پرداختن به یارانه انرژی و ضرورت ایجاد اولویت در دریافت یارانه انرژی اجتناب‌ناپذیر است. این مقاله یک مدل AHP&FLP را برای تخصیص یارانه انرژی در بین زیربخش‌های اقتصادی اجتماعی ارائه می‌دهد. با

۱. استادیار اقتصاد دانشگاه علوم اقتصادی، Email: ameli@ses.ac.ir

۲. دانشیار اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، Email: sadeghi@isu.ac.ir

مطالعه اغلب مقالات مربوط به حوزه اثرگذاری یارانه یا حذف آن بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی معیارهای که یارانه انرژی بر آنها بیشترین تاثیرگذاری را دارد عبارتند از: رشد اقتصادی، شدت انرژی، شدت نیروی کار، تورم، هزینه اجتماعی آلودگی هوا و توزیع یارانه انرژی میان دهک‌های هزینه‌ای. با مشخص کردن وزن این معیارها رتبه‌بندی کل این معیارها که بیشترین تاثیر در توزیع یارانه انرژی میان زیربخش‌های اقتصادی دارند عبارتند از: تورم، رشد اقتصادی، شدت نیروی کار، توزیع یارانه انرژی میان دهک‌های هزینه‌ای، شدت انرژی و هزینه اجتماعی آلودگی هوا. رتبه‌بندی نهایی بهینه زیربخش‌های اقتصادی در ایران برای تخصیص یارانه انرژی خدمات، صنعت، کشاورزی، خانگی و حمل‌ونقل است. بعد از مشخص کردن ضرایب نهایی روش AHP حداکثرسازی کارایی یارانه انرژی بخاطر اصلاحات تکنولوژی و مصرفی زیربخش‌های خانگی و حمل‌ونقل از طریق برنامه‌ریزی خطی ضروری است. در مرحله بعد، فازی‌سازی محدودیت یارانه انرژی حمل‌ونقل انجام می‌شود. سرانجام بعد از فازی‌سازی یارانه تقسیم شده به خدمات به  $30/4$  افزایش و حمل‌ونقل به  $28/6$  درصد از کل یارانه انرژی کاهش می‌یابد.

قابل ذکر است که بین در نظر گرفتن اختصاص یارانه انرژی و حالت عدم پرداخت یارانه بایستی حالت میانه و واسطه‌ای بصورت مدیریت پرداخت یارانه انرژی به زیربخش‌های اقتصادی از طریق اولویت‌گذاری لحاظ شود تا از وارد شدن شوک‌های بزرگ به اقتصاد جلوگیری کرده و در دوره زمانی میان‌مدت فرصت تغییر رفتار مصرف و الگوی انرژی را به زیربخش‌های اقتصادی داد تا در این میان متغیرهای اساسی جامعه دچار خدشه نشده، از رکودهای تورمی اجتناب شده و الگوی مصرفی جامعه کارآمدی یافته و در نتیجه به سمت شدت انرژی کمتر، توزیع بهتر یارانه‌ها، آلاینده‌گی کمتر در جامعه حرکت شود. براین اساس، با استفاده از روش فرایند سلسله‌مراتبی و برنامه‌ریزی خطی و فازی‌سازی آن، اولویت زیربخش‌های اقتصادی در دریافت انرژی موردبررسی قرار گرفته تا با رعایت مصالح اجتماعی و اقتصادی، بتوان الگوی توزیع یارانه انرژی را که متناسب با شرایط میان‌مدت می‌باشد طراحی نمود.

## ۲. پیشینه تحقیق در مورد یارانه

تحقیقات انجام شده در حوزه یارانه انرژی را می‌توان در دو گروه عمده، داخل کشور و کشورهای دیگر دسته‌بندی کرد. در داخل کشور اکثر تحقیقات انجام شده ناظر به حذف قیمت انرژی و اثر آن بر روی توزیع درآمدی، تورم، تولید ملی و رفاه اجتماعی است که با استفاده از روش‌های بهینه‌سازی این مساله را بررسی و تحلیل کرده‌اند. در مطالعات انجام شده در کشورهای در حال توسعه، عمدتاً یک نوع از حامل‌های انرژی در نظر گرفته شده و اثر افزایش قیمت بر توزیع درآمدی، اثر تولیدی و رفاه دهک‌های پایین جامعه بررسی

شده است. در کشورهای توسعه یافته، اثر حذف یارانه و یا اخذ مالیات بر کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی و کاهش گازهای گلخانه‌ای بررسی شده و یا اثر پرداخت یارانه بر توسعه انرژی‌های نو و سطح اشتغال مورد مطالعه قرار گرفته است.

منظور و همکاران (۲۰۰۹)<sup>۱</sup> یک مدل CGE<sup>۲</sup> مبتنی بر MCM<sup>۳</sup> را توسعه داده‌اند. این مدل، شامل ۱۸ بخش تولیدی، خانوارهای شهری و روستایی و دولت بعلاوه واردات و صادرات می‌باشد. نتایج بدست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که اثر انقباضی فعالیت‌ها در همه بخش‌ها بجز بخش خدمات کاهش می‌یابد. همچنین رفاه روستایی ۱۳ درصد و رفاه شهری ۱۲ درصد کاهش می‌یابد و شاخص قیمت‌ها تا ۴۰ درصد افزایش می‌یابد.

مریدی (۱۳۸۵) با استفاده از الگوی تحلیل داده-ستانده و مدل‌های قیمت نشان می‌دهد اعمال سیاست حذف یارانه انرژی، اثرات تورمی قابل توجهی را در کلیه بخشهای اقتصادی (۵۴ بخش) ایجاد خواهد کرد. ضمن آنکه برآورد آثار توزیعی آن در چارچوب تحلیل داده-ستانده و با استفاده از استانداردهای<sup>۴</sup> COICOP<sup>۵</sup>، ISIC و تطبیق آنها بایکدیگر نشان می‌دهد، تأثیرپذیری دهک‌های پایین شهری و روستایی از اعمال این سیاست اندکی بیشتر از دهک‌های بالاست. همچنین نتایج به‌خوبی نشان می‌دهد که مجموع خانوارهای روستایی بسیار بیشتر از مجموع خانوارهای شهری از اعمال این سیاست متأثر می‌شوند.

سبوحی (۱۳۷۷) مدل تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی و مدل‌های ارزیابی آثار تغییرات قیمت‌های انرژی را توسعه داده و از این مدل برای ارزیابی تخصیص مجدد منابع یارانه انرژی استفاده نموده است. در این مطالعه، مجموعه اقدامات درخصوص اصلاح قیمت انرژی به دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت دسته‌بندی شده است. پیشنهاد این مطالعه آن است که منابع حاصل از افزایش قیمت باید در چهار امر مهم اختصاص یابد. اول، جبران آثار منفی افزایش قیمت انرژی بر هزینه زندگی و نقدینگی بخشهای تولیدی. دوم، تخصیص منابع به‌منظور ایجاد تحول در فن‌آوری تولید. سوم، ارائه تسهیلات برای ایجاد و گسترش رقابت از طریق فعال نمودن بخش خصوصی در امر تولید و عرضه حامل‌های انرژی و چهارم، مهار نرخ رشد پایه پولی با استفاده از امکانات مالی حاصل از افزایش قیمت انرژی.

1. Manzoor, D.
2. Computable General Equilibrium.
3. Micro Consistent Matrix.

۴. بخش آمار سازمان ملل متحد جهت ایجاد وحدت رویه در جمع‌آوری و عرضه آمار و اطلاعات اقتصادی تقسیم‌بندی‌های استاندارد را در زمینه‌های مختلف ارایه کرده است.

۵. تقسیم‌بندی مصرف افراد براساس هدف مصرف (COICOP)

مطالعه جوهانسون (۲۰۰۴)<sup>۱</sup> به ارائه یک مدل سرمایه‌گذاری با لحاظ یارانه‌های انرژی می‌پردازد. این مدل، دو هدف عمده را دنبال می‌کند: اول اینکه جامعه سوئد باید از نظر زیست‌محیطی به جامعه‌ای پایدار و قابل‌قبول تبدیل شود و دوم اینکه بیکاری در جامعه کاهش یابد. نتایج تحقیق، اثرات مثبت این یارانه را روی اهداف ذکر شده تایید می‌کند و اثرات خارجی مثبت پدیدآمده آنقدر قابل توجه بوده که یارانه پرداخت شده را توجیه می‌کند. در این تحقیق برای بررسی رابطه بین یارانه پرداختی و اثرات زیست‌محیطی و اشتغال از بسط مرتبه اول و دوم تیلور در توزیع اثر استفاده شده است. در تست F تیلور مرتبه اول و دوم، بی‌معنی بودن بسط مرتبه اول رد شده است و بواسطه عدم تفاوت معنی‌دار بین میانگین یارانه نهایی از بسط مرتبه دوم و سوم، مرتبه دوم انتخاب شده است.

جاین (۲۰۰۶)<sup>۲</sup> یک روش جدید برای تعیین استفاده‌کنندگان از یارانه الکتریسته را توصیه می‌کند. در این تحقیق، برای تعیین استفاده‌کنندگان یارانه الکتریسته به‌جای در نظر گرفتن مقدار یارانه استفاده شده در بنگاه‌های کشاورزی، تقسیم‌بندی به پیشرفته و عقب‌مانده در پنجاب توصیه شده است. در این تحقیق حجم یارانه برای بنگاه‌های پیشرفته بیشتر از بنگاه‌های عقب‌مانده در کشاورزی می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از یک نمونه ۳۰۰ تایی از کشاورزان و توزیع پرسشنامه در بین این ۳۰۰ نمونه، در تقسیم افراد به بنگاه‌های پیشرفته و عقب‌مانده با استفاده از نتایج آن و آماره کای دو آزمونه‌های لازم معنی‌داری انجام شده است.

لویس (۱۹۹۳)<sup>۳</sup> در مطالعه خود، اثرات اقتصادی سیستم مالیاتی و یارانه‌های انرژی را روی اقتصاد اندونزی در دهه ۱۹۸۰ بررسی می‌کند. این مطالعه، اثرات کوچک حذف مالیات یا یارانه‌ها را روی مصرف انرژی آشکار می‌کند. حذف مالیات یا یارانه‌ها از طریق اثر درآمدی روی مصرف اثر می‌گذارد. در میان انواع یارانه‌ها و مالیات‌های انرژی، حذف مالیات بنزین بیشترین اثر را روی کاهش مصرف سوخت دارد. مطابق با نتایج شبیه‌سازی، می‌توان نتیجه گرفت سیستم مالیات و یارانه‌های انرژی یک اختلال قابل توجه راروی اقتصاد اندونزی گذاشته و سبب کاهش سطح رفاه می‌شود.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

#### ۱.۳. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی

فرایند سلسله‌مراتبی (AHP) در ادبیات اخیر بعنوان یک روش پاسخگویی به مسائل تصمیم‌گیری دارای چندین معیار در دنیای واقعی پیشنهاد شده است. AHP در یک گستره وسیعی از مسایل تصمیم‌گیری

1. Johansson, M.V

2. Jain, V

3. Lewis, J.D.

پیچیده از قبیل برنامه‌ریزی استراتژیک منابع سازمانی (ساعتی، ۱۹۹۰)<sup>۱</sup>، ارزیابی گزینه‌های استراتژیک (توانا، ۱۹۹۵)<sup>۲</sup> یا تایید تکنولوژی صنعتی جدید (البایراکوگلو، ۱۹۹۶)<sup>۳</sup> بکار رفته است. یک تحقیق اولیه انجام شده روی ۲۰۰ کاربرد AHP تهیه شده است (زاهدی، ۱۹۸۶)<sup>۴</sup>. بعنوان یک روش شناسی مناسب، روش AHP برای مشخص کردن وزن‌های نهایی و وزن‌های توابع هدف در یک مدل برنامه‌ریزی خطی بکار رفته است (گاس، ۱۹۸۶)<sup>۵</sup>. همچنین برای مشخص کردن و تعیین کردن ضرایب هدف و مقادیر پارامتر در تابع برنامه‌ریزی خطی چندهدفه نیز استفاده شده است (کورهونن، ۱۹۹۰)<sup>۶</sup>.

سه گام اصلی در روش AHP با در نظر گرفتن یک سلسله‌مراتبی عبارتست از:

### ۱.۱.۳. تجزیه مساله<sup>۷</sup>

ابتدا مساله موردنظر را به عناصر یا معیارهای تشکیل دهنده تجزیه کرده (که در یک سطح به شکل معیارهای  $n, 2, 1, \dots$  نشان داده می‌شوند) و هر عنصر یا معیار را به زیر عناصر یا زیر معیارهای بیشتری تجزیه کرده و این عمل را آنگقدر تکرار می‌کنیم تا به پایین‌ترین سطح از فرایند که همان گزینه‌های مساله می‌باشد برسیم و در واقع سلسله‌مراتبی مساله مطرح شده ترسیم و تعیین می‌شود.

### ۲.۱.۳. تحلیل‌های مقایسه‌ای<sup>۸</sup>

اهمیت نسبی هر عنصر یا معیار در یک سطح معین بوسیله فرایند مقایسه زوجی بین هر عنصر (معیار) با عناصر (معیارهای) هم‌سطح خود بدست می‌آید، این مقایسه با استفاده از رتبه‌بندی عددی ۱ تا ۱۰ که در روش فرایند سلسله‌مراتبی تعریف شده است، اندازه‌گیری خواهد شد.

### ۳.۱.۳. ترکیب وزن‌ها<sup>۹</sup>

در ترکیب وزن‌ها، دو نوع از وزن‌های نسبی بایکدیگر طبق روش تحقیق که در ادامه بصورت تفصیلی بیان خواهد شد، بایکدیگر ترکیب خواهد شد. براساس تفصیلی که در صفحات بعد مطرح می‌شود وزن نهایی بدست می‌آید. جهت مطالعه کامل روش یک توصیف کامل از روش AHP در مقاله (ساعتی، ۱۹۹۴)<sup>۱۰</sup> ارائه شده است.

1. Saaty, T.L
2. Tavana, M
3. Albayrakoglu, M.M
4. Zahedi, F.
5. Gass, S.I.
6. Korhonen, P.
7. Problem Decomposition
8. Analysis Comparative
9. Synthesis of Priorities
10. Saaty, T.L.

### ۲.۳. تلفیق فرآیند تحلیل سلسله مراتبی با برنامه‌ریزی خطی

در این مرحله، ضرایب وزن نهایی در انتخاب گزینه‌ها را از روش AHP بعنوان ضرایب تابع هدف، موردنظر قرار داده و محدودیت‌های برنامه‌خطی را نیز طبق آنچه در مسأله وجود دارد در نظر گرفته و مسأله برنامه‌ریزی خطی با روش‌های معمولی سیمپلکس حل خواهد شد.

### ۳.۳. فازی‌سازی برنامه‌ریزی خطی

با آشنایی با مفهوم برنامه‌ریزی خطی، می‌توان پذیرفت امکان مشخص نمودن دقیق تابع هدف و قیود به صورت عبارتهای دقیق و قطعی محدود می‌باشد و بایستی از قطعیت و جزمیت پرهیز کرد تا بتوان حالات واقعی را بصورت کاملتری در نظر گرفت و بهتر به جوابهایی که از خروجی برنامه‌ریزی خطی، بیرون می‌آید اعتماد کرد، با این بیان کاملاً ضروری است مفهوم فازی بودن باید در بررسی این مسأله موردنظر باشد و با توجه به قطعی نبودن سطح تخصیص پارانه انرژی به زیربخش‌های اقتصادی، منابع یا محدودیت‌های یارانه تخصیصی را بصورت فازی بررسی می‌کنیم.

#### ۱.۳.۳. برنامه‌ریزی خطی با منابع فازی<sup>۱</sup>

$$\begin{aligned} \text{Max: } & CX \\ \text{s.t. } & AX \lesseqgtr b \\ & X \geq 0 \end{aligned}$$

که نامساوی فازی  $\lesseqgtr$  بوسیله توابع تعلق مناسب مشخص می‌شود.

فرض می‌کنیم که  $(t_i \geq 0)$  تولرانس  $i$ -امین، منبع  $b_i$  باشد، آنگاه نامساوی فازی  $(AX)_i \lesseqgtr b_i$

بصورت  $(AX)_i \leq b_i + \theta t_i$  که  $\theta \in [0,1]$  مشخص می‌شود به عبارت دیگر، قید فازی  $(AX)_i \lesseqgtr b_i$

بصورت یک مجموعه فازی با تابع تعلق زیر تعریف می‌شود.

$$\mu_i(x) = \begin{cases} 1 & (Ax)_i < b_i \\ 1 - [(Ax)_i - b_i]/t_i & b_i \leq (Ax)_i \leq b_i + t_i \\ 0 & (Ax)_i > b_i + t_i \end{cases} \quad (1)$$

بنابراین مسأله تبدیل خواهد شد به یافتن  $X$  بطوریکه  $CX$  و  $\mu_i(x)$  برای  $i=1,2,\dots,m$  حداکثر شود. این یک مسأله بهینه‌سازی چند هدفی است. ورنه روش زیر را برای حل این مسأله ارائه کرده است، ابتدا دو مسأله برنامه‌ریزی خطی استاندارد زیر را حل می‌کنیم:

$$\begin{cases} \text{Max: } CX \\ (AX)_i \leq b \quad i=1,2,\dots,m \\ X \geq 0 \end{cases} \quad (2)$$

$$\begin{cases} \text{Max: } CX \\ (AX)_i \leq b_i + t_i \quad i=1,2,\dots,m \\ X \geq 0 \end{cases} \quad (3)$$

فرض می‌کنیم  $X^0, X^1$  به ترتیب پاسخهای (۲) و (۳) باشد، حال  $Z^0 = cX^0, Z^1 = cX^1$  را تعریف می‌کنیم آنگاه تابع تعلق زیر برای مشخص کردن درجه بهینه‌بودن تعریف می‌شود:

$$\mu_0(X) = \begin{cases} 1 & : CX \geq Z^1 \\ 1 - \frac{Z^1 - CX}{Z^1 - Z^0} & : Z^0 \leq CX \leq Z^1 \\ 0 & : CX < Z^0 \end{cases} \quad (4)$$

واضح است که وقتی  $CX \geq Z^1$  باشد داریم  $\mu_0(X) = 1$  که حداکثر درجه بهینه‌بودن را می‌دهد وقتی  $CX < Z^0$  باشد داریم  $\mu_0(X) = 0$  که حداقل بودن درجه بهینه‌بودن را نشان می‌دهد وقتی  $CX$  بین  $Z^1$  و  $Z^0$  قرار گیرد، درجه بهینه‌بودن از ۱ تا صفر تغییر می‌کند.

از آنجائیکه قیود تابع هدف به ترتیب توسط توابع تعلق (۱) و (۴) معرفی می‌شوند؛ لذا می‌توان روش  $\max - \min$  را برای حل این مسأله بهینه‌سازی چند هدفی استفاده نمائیم و به‌طور ویژه مسأله به صورت زیر خواهد شد.

$$\max \min_{x \geq 0} [\mu_0(x), \mu_1(x), \dots, \mu_m(x)]$$

یا به‌طور معادل:

$$\begin{cases} \text{Max} : \alpha \\ \text{s.t.} : \mu_0(X) \geq \alpha \\ \mu_i(X) \geq \alpha, i = 1, 2, \dots, m \\ \alpha \in [0, 1], x \geq 0 \end{cases} \quad (5)$$

با جایگزینی معادلات ۱ و ۴ در معادله ۵ می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که مسأله برنامه‌ریزی خطی منابع فازی می‌تواند توسط حل مسأله برنامه‌ریزی خطی استاندارد زیر حل گردد.

$$\begin{cases} \text{Max} : \alpha \\ \text{s.t.} : CX \geq z^1 - (1-\alpha)(z^1 - z^0) \\ (AX)_i \leq b_i + (1-\alpha)t_i, i = 1, 2, \dots, m \\ \alpha \in [0, 1], X \geq 0 \end{cases}$$

#### ۴. مدل کاربردی

بر مبنای معیارهای شش‌گانه تخصیص یارانه انرژی که عبارتند از: رشد اقتصادی، شدت کاربری، شدت انرژی، تورم، هزینه اجتماعی آلاینده‌ها و بهبود توزیع یارانه انرژی در بین دهک‌های هزینه‌ای، مراحل زیر جهت رسیدن به تعیین اولویت زیر بخش‌های اقتصادی نسبت به یکدیگر در تخصیص یارانه انرژی ارائه می‌شود.

#### ۴.۱. پردازش داده‌های مدل

هر معیار به نحو مختصر توضیح داده شده و نحوه استخراج آن بیان می‌شود.

۴.۱.۱. **رشد اقتصادی:** این معیار بیان می‌کند، زیر بخش‌های اقتصادی هر کدام سهمی از رشد GDP دارند و با استفاده از رابطه اقتصاد کلان<sup>۱</sup>

$$y = i + a + \tilde{t} + c$$

$i = \text{industry.value.added}$

$a = \text{agriculture.value.added}$

$\tilde{t}^1 = \text{transportation.value.added}$

$c = \text{commerce.value.added}$

$y = \text{GDP}$

$$\frac{dy}{dt} = \frac{di}{dt} \times \frac{i}{y} + \frac{da}{dt} \times \frac{a}{y} + \frac{d\tilde{t}}{dt} \times \frac{\tilde{t}}{y} + \frac{dc}{dt} \times \frac{c}{y}$$

مقادیر کمی متناسب این معیار را مشخص می‌کنیم. آنچه در ابتدا باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که بخش خانگی چون فاقد ارزش افزوده است، رشد اقتصادی برای آن تعریف نمی‌شود و مقدار صفر را اختیار خواهد کرد. با توجه به اینکه حذف یارانه انرژی سبب کاهش رشد زیربخش‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت خواهد شد، تخصیص یارانه انرژی به زیربخش‌هایی که سهم بیشتری در رشد دارند از افت شدید رشد اقتصادی در زیربخش و کل اقتصاد جلوگیری کرده و روند آنرا متعادل می‌کند.<sup>۱</sup>

**۲.۱.۴. اشتغال:** باتوجه به بیکاری موجود در جامعه، زیربخش‌هایی از جامعه که حجم اشتغال یا شدت کاربری بیشتری را به‌خود اختصاص داده‌اند اولویت بیشتری را در اخذ یارانه انرژی خواهند داشت. براساس آخرین سرشماری سال ۱۳۸۵، اشتغال زیربخش‌های اقتصادی به‌صورت تقریبی بدست آمده است، باتوجه به نیاز محاسبه اشتغال (شدت کاربری) بادقت بیشتر در زیربخش‌های اقتصادی بایستی با در نظر گرفتن فروضی، داده‌های لازم برای معیار تعریف‌شده آماده‌سازی شود. شدت کاربری را تعداد نیروی کار استخدام‌شده برای تولید یک میلیارد ریال ارزش افزوده تعریف می‌کنیم. رابطه بکارگرفته شده مشابه رشد اقتصادی بوده است.<sup>۲</sup>

$$E = E_i + E_a + E_{\tilde{t}} + E_c$$

$$\frac{E}{y} = \frac{E_i}{i} \times \frac{i}{y} + \frac{E_a}{a} \times \frac{a}{y} + \frac{E_{\tilde{t}}}{\tilde{t}} \times \frac{\tilde{t}}{y} + \frac{E_c}{c} \times \frac{c}{y}$$

*E*: اشتغال کل اقتصاد.

۱. زیربخش‌های اقتصادی در جدول داده-سنجده سال ۱۳۸۰ که شامل ۱۴۷ محصول در ۹۹ رشته فعالیت می‌باشد عبارتند از:

- بخش کشاورزی: شامل ۱ تا ۱۲ می‌باشد.

- بخش صنعت: شامل ردیف‌های ۱۳ تا ۹۳ بوده که ردیف‌های ۲۰ و ۲۲ و ۴۵ تا ۵۰ شامل آن نمی‌باشد.

- بخش حمل‌ونقل: شامل ردیف‌های ۹۷ تا ۱۰۳ و ردیف ۱۰۴ می‌باشد.

- بخش خدمات: شامل ردیف ۹۴ تا ۱۴۷ بوده که بخش حمل‌ونقل از آن کسر شده است.

۲. سرشماری اشتغال سال ۸۵-مرکز آمار ایران

$E_i$  = industry employment

$E_a$  = agriculture employment

3.  $E_{\tilde{t}}$  = transportation employment

$E_c$  = commerce employment

$E$  = economy employment

$E_{iat\tilde{s}}$ : اشتغال در صنعت، کشاورزی، حمل‌ونقل، عمومی-تجاری.

۳.۱.۴. **شدت انرژی:** با بررسی شدت انرژی زیربخش‌های مختلف، می‌توان برای تشویق بهبود شدت انرژی زیربخش‌ها و استفاده از تکنولوژی‌های که شدت و مصرف انرژی کمتری دارند، به زیربخش‌هایی که شدت انرژی بیشتری دارند، یارانه انرژی کمتری پرداخت نمود. شدت انرژی، مقدار معادل بشکه انرژی مصرف‌شده برای تولید یک میلیون ریال ارزش افزوده تعریف می‌شود. مشابه معیارهای قبلی را بطنه مورد استفاده عبارتست از<sup>۱</sup>

$$\begin{aligned} \tilde{E} &= \tilde{E}_i + \tilde{E}_a + \tilde{E}_t + \tilde{E}_c + \tilde{E}_h \\ \frac{\tilde{E}}{y} &= \frac{\tilde{E}_i}{i} \times \frac{i}{y} + \frac{\tilde{E}_a}{a} \times \frac{a}{y} + \frac{\tilde{E}_t}{t} \times \frac{t}{y} + \frac{\tilde{E}_c}{c} \times \frac{c}{y} + \frac{\tilde{E}_h}{y} \end{aligned}$$

از آنجا که ارزش افزوده برای بخش خانگی مفهوم ندارد و به تعبیری صفر می‌باشد، معیار مورد استفاده برای بخش خانگی به جای حاصلضرب شدت انرژی در سهم از GDP، مصرف انرژی بخش خانگی به GDP اقتصاد است. به این ترتیب، رابطه تساوی اقتصاد کلان مطرح شده معتبر باقی می‌ماند.<sup>۲</sup>

۴.۱.۴. **هزینه‌های اجتماعی آلایندها:** روش محاسبه حجم آلاینده‌گی و هزینه اجتماعی آلاینده‌گی براساس شاخص‌های تعریف شده سازمان محیط‌زیست و بانک جهانی می‌باشد با توجه به اینکه نیروگاهها دارای حجم آلاینده‌گی درخور توجه هستند و از سویی جزء زیربخش اقتصادی محسوب نمی‌شوند، حجم آلاینده‌گی آنرا به تناسب سهم مصرف برق زیربخش‌های اقتصادی به زیربخش‌های نظیر خودش نسبت می‌دهیم، بر این

---

$\tilde{E}_i$  = industry energy consumption

$\tilde{E}_a$  = agriculture energy consumption

1.  $\tilde{E}_t$  = transportation energy consumption

$\tilde{E}_c$  = commerce energy consumption

$\tilde{E}_h$  = household energy consumption

$\tilde{E}$  = economy energy consumption

۲. برای بررسی بهتر و دقیق‌تر مصرف انرژی، با توجه به حجم اندک مصرف زغال‌سنگ و بیوماس؛ این حجم انرژی از مصرف انرژی حذف شده است. مبنای محاسبات سال ۸۵ می‌باشد.

اساس حجم آلاینده‌گی نظیر آن زیربخش بدست می‌آید، تا محاسبات انتشار آلاینده‌های زیربخش‌ها به‌نحو کاملی انجام شود. مبنای محاسبات سال ۱۳۸۵ می‌باشد.<sup>۱</sup>

۵.۱.۴. تورم<sup>۲</sup>: باتوجه به اینکه در اثر حذف یارانه‌های انرژی بواسطه افزایش قیمت عرضه کالاها در زیربخش‌های اقتصادی تولیدات گرانتر خواهند بود و به‌تعبیری اقتصاد دچار تورم خواهد شد، بایستی این تورم را مدیریت نمود تا اقتصاد دچار شوک‌های تورمی نشود، بنابراین زیربخش‌هایی که تأثیرپذیری و به‌تعبیر دیگر تأثیرگذاری بیشتری در تورم جامعه دارند بایستی سهم یارانه انرژی بیشتری را دریافت کنند تا شوک‌های تورمی جامعه تعدیل شده و با دادن فرصت جهت تعدیل رفتار تولیدی زیر بخش‌ها این اثر تورمی تخفیف پیدا کند.

براین اساس، مبنای محاسبه تورم در اثر حذف یارانه را مطالعه انجام شده در دفتر انرژی وزارت نیرو قرار داده و سهم تورمی هر زیربخش را که با استفاده از جدول داده-ستانده بدست آمده است، صحیح فرض می‌کنیم.

جدول ۱. داده‌های محاسباتی معیارها در زیر بخش‌ها

شدت انرژی	رشد اقتصادی	تورم	شدت کاربری	هزینه اجتماعی آلاینده‌ها	
۰/۴۴	۲/۰۷	۱۶/۳۳	۱۴/۰۸	۱۲/۶	صنعت
۰/۰۸۳	۰/۶۶	۴/۸۴	۸/۲۷۳	۶/۱	کشاورزی
۰/۶۰۳	۰/۴۳	۲/۶۸	۳/۶۸۱	۶۵	حمل و نقل
۰/۱۶۲	۲/۹۳	۱۱/۶۲	۱۸/۲۷۳	۴/۱	خدمات (عمومی-تجارتی)
۰/۷۳۲	۰	۰	۰	۱۱/۸	خانگی

ماخذ: محاسبات تحقیق

۶.۱.۴. بهبود توزیع یارانه انرژی در بین دهک‌های هزینه‌ای: برای این که بتوانیم مبنایی جهت بهبود توزیع یارانه انرژی مطرح کنیم، می‌توانیم مبنای جامعه را توانمندسازی دو دهک میانی جامعه یعنی دهک پنجم و ششم بدانیم، این توزیع یارانه فقط از طریق بخش خانگی در بین دهک‌ها توزیع شود و به‌عبارت دیگر، مقدار سهم دیگر بخشها در این توزیع صفر در نظر گرفته می‌شود و برای بخش خانگی آنرا یک در نظر می‌گیریم و در مرحله بعد ترجیح دهک‌های هزینه‌ای جامعه نسبت به یکدیگر مد نظر است، که آیا ترجیحی بین آنها در دریافت یارانه انرژی وجود دارد؟ و اگر وجود دارد چه نحوه ترجیح بین دهک‌های هزینه‌ای برقرار است؟ برای دهک‌های هفتم تا دهم ترجیح صفر را در نظر می‌گیریم. نحوه ترجیح شش دهک اولیه نسبت به یکدیگر در دریافت یارانه انرژی یکسان فرض می‌شوند.

۱. ترازنامه انرژی سال ۸۵ و دریافت اطلاعات تفکیکی خانگی و تجاری از دفتر انرژی وزارت نیرو.

۲. بهتر است به‌جای این واژه از افزایش قیمت استفاده شود و با اغماض واژه مذکور استفاده می‌شود.

## ۲.۴. پردازش داده‌های مدل جهت انجام روش AHP

معیارهای رشد اقتصادی، شدت انرژی، شدت کاربری، تورم و هزینه اجتماعی آلاینده‌گی، معیار کمی می‌باشد که بصورت دقیق براساس داده‌ها و آمارهای موجود قابل ارزیابی می‌باشد. با توجه به آنچه که در روش شناسی AHP بیان شد، چارچوب این روش عبارتست از هدف، معیار و گزینه‌ها که هدف، تعیین اولویت‌های زیربخش‌های اقتصادی در تخصیص یارانه انرژی است.

معیارهای این تحقیق شامل رشد اقتصادی، شدت کاربری، شدت انرژی، تورم، هزینه اجتماعی آلاینده‌گی و بهبود توزیع یارانه انرژی در بین دهک‌های هزینه‌ای بوده و گزینه‌های آن همان زیربخش‌های اقتصادی شامل صنعت، کشاورزی، حمل و نقل، خدمات (عمومی-تجاری) و خانگی است.

برای آماده‌سازی داده‌های لازم در این بخش، دو عنوان از این داده‌ها فاقد اعداد کمی محاسباتی است. عنوان اول، همان نحوه ترجیح دهک‌های هزینه‌ای نسبت به یکدیگر بر مبنای نظر حاکمیتی و جامعه بوده و عنوان دوم نحوه ترجیح معیارهای اخذ یارانه انرژی زیربخش‌های اقتصادی نسبت به یکدیگر است. نکته قابل ملاحظه در اینجا، محدودیت نرم‌افزار و محدودیت روش AHP است که برای انجام قضاوت بین دو عنصر باید عدد غیر صفر به هر کدام نسبت داد. حداقل این عدد می‌تواند ۰/۰۰۱ باشد. بنابراین در گزینه‌هایی که مقدار صفر به صورت دقیق محاسبه شده است، بایستی عدد ۰/۰۰۱ نسبت داد و مجموع قضاوت‌ها نیز باید در هر سطح برابر عدد یک شود. (جدول ۲ گویای این دو محدودیت می‌باشد)

جدول ۲. نتایج اخذ شده نهایی در ترجیح بین دهک‌های هزینه‌ای در روش AHP

دهک هزینه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم
مقدار عددی	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
رتبه	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷	۷	۷	۷

ماخذ: محاسبات تحقیق

## ۳.۴. نحوه ترجیح معیارهای اخذ یارانه انرژی نسبت به یکدیگر

برای قضاوت در مورد نحوه ترجیح معیارهای اخذ یارانه انرژی نسبت به یکدیگر از روش پرسشنامه‌ای، معیارهای اقتصادی برای جامعه خبرگان اقتصادی تبیین شده و آنها را جمع به نحوه ترجیح معیارها نسبت به یکدیگر قضاوت خود را انجام داده‌اند، بعد از آن با استفاده از روش قضاوت گروهی که در روش AHP پیش‌بینی شده است، در نهایت نحوه اولویت معیارها نسبت به یکدیگر مشخص شده است.

## جدول ۳. نتایج اخذ شده نهایی در ترجیح بین معیارهای اخذ شده یارانه انرژی

رتبه	مقادیر عددی	معیارها
۴	۰/۱۳۸	بهبود توزیع یارانه
۵	۰/۱۱۴	شدت انرژی
۶	۰/۰۹۸	هزینه اجتماعی آلاینده‌ها
۲	۰/۲۰۰	رشد اقتصادی
۱	۰/۲۵۱	تورم
۳	۰/۱۹۹	شدت کاربری
-----	۰/۰۴	نرخ ناسازگاری ماتریس

ماخذ: محاسبات تحقیق

بر اساس مقادیر کمی و مقادیر حاصل از جدول ترجیح دهک‌های هزینه‌ای و جدول ترجیح معیارها نسبت به یکدیگر، مجموع جداول استخراج شده ارائه می‌شود.

در معیارهای شدت انرژی، هزینه اجتماعی آلاینده‌ها، رشد اقتصادی، تورم و شدت کاربری و توزیع یارانه انرژی در بین دهک‌های هزینه‌ای، اولویت بین زیربخش‌ها بواسطه کمی بودن به صورت دقیق محاسبه شده است و ناسازگاری ماتریس‌های آن صفر می‌باشد. آنچه قابل بیان می‌باشد اینکه در انتهای فرایند سلسله مراتبی به نحوه اولویت‌بندی زیربخش‌های اقتصادی در اخذ یارانه انرژی رسیدیم که عبارتست از: خدمات - صنعت - کشاورزی - خانگی - حمل و نقل که مقادیر کمی آن در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد.

## جدول ۴. ضرایب اولویت زیربخش‌های اقتصادی بر مبنای هر معیار و ترجیح بین معیارها

معیار / زیربخش	صنعت	کشاورزی	خدمات	حمل و نقل	خانگی	نرخ ناسازگاری
بهبود توزیع یارانه انرژی	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۹۹۶	۰/۰
شدت انرژی	۰/۰۹۷	۰/۵۱۲	۰/۲۶۲	۰/۰۷۱	۰/۰۵۸	۰/۰
هزینه اجتماعی آلاینده‌ها	۰/۱۳۶	۰/۲۷۹	۰/۴۱۴	۰/۰۲۷	۰/۱۴۴	۰/۰
رشد اقتصادی	۰/۳۴۰	۰/۱۰۸	۰/۴۸۱	۰/۰۷۱	۰/۰۰۱	۰/۰
تورم	۰/۴۶۱	۰/۱۳۶	۰/۳۲۶	۰/۰۷۵	۰/۰۰۱	۰/۰
شدت کاربری	۰/۳۱۷	۰/۱۸۷	۰/۴۱۲	۰/۰۸۳	۰/۰۰۱	۰/۰
ترجیح بین معیارها	۰/۲۷۱	۰/۱۷۹	۰/۳۳۱	۰/۰۶	۰/۱۵۹	

ماخذ: محاسبات تحقیق

#### ۴.۴. تبیین نحوه رتبه‌بندی معیارهای تخصیص یارانه انرژی به زیربخش‌های اقتصادی

براساس پرسشنامه، رتبه‌بندی انجام شده به ترتیب عبارت است از: کاهش تورم < افزایش رشد اقتصادی < افزایش شدت کاربری < بهبود توزیع یارانه انرژی دهک‌های هزینه‌ای < کاهش شدت انرژی < کاهش هزینه‌اجتماعی آلاینده‌ها. آنچه در تبیین نتیجه پرسشنامه مهم به نظر می‌رسد این که اولویت‌های اصلی هر جامعه کاهش تورم و افزایش اشتغال یا کاهش نرخ بیکاری می‌باشد، که در این رتبه‌بندی نیز این نتیجه را می‌توان تقریباً مشاهده نمود زیرا اختلاف عددی ۰/۰۰۱ آن‌قدر تاثیرگذار نیست که رشد اقتصادی را بر شدت کاربری ترجیح منطقی دهد و می‌توان این دو را در یک سطح از اهمیت دانست، ازسوی دیگر با توجه به وضعیت اقتصادی جامعه و به سامان نبودن اولویت‌های اصلی اقتصاد کلان، هزینه‌اجتماعی آلاینده‌ها، اولویت فوری و ضروری در نزد افراد جامعه نداشته و بدین خاطر در رتبه آخر قرار گرفته است. در معیار شدت انرژی می‌توان گفت نظر جمعی پرسش‌شوندگان، مبتنی بر عدم فوریت بهره‌وری و کارایی انرژی است. این نگاه نشان‌دهنده فوریت معیارهایی است که به صورت ملموس جامعه با آن درگیر است. اولویت افزایش رشد اقتصادی بر بهبود توزیع یارانه دهک‌های هزینه‌ای، بستگی به نوع نگرش افراد دارد. برخی صاحب‌نظران معیار بهبوددهنده توزیع یارانه انرژی در بین دهک‌های هزینه‌ای را بر اصل رشد اقتصادی اولویت می‌دهند زیرا آن را سبب توسعه جامع و پایدار و آن را زمینه رشد اقتصادی در دوره‌های آینده می‌دانند و برخی عقیده دارند که ابتدا باید رشد اقتصادی انجام شود تا رشد اقتصادی حاصل شود و براساس آن، سهم افراد جامعه به صورت مقداری در همه سطوح افزایش باید و به تعبیری در این نگاه، برخی قائل به پرداخت هزینه‌ای به نام اختلاف درآمدی و طبقاتی و نابرابری اجتماعی هستند تا بتوانند در آینده توسعه بهتری را برای جامعه به‌ارمغان آورند، در نگاه جمعی خبرگان اقتصادی به نظر می‌رسد که ابتدا رشد اقتصادی حاصل شود و آن‌گاه به سمت توزیع بهتر یارانه انرژی در بین دهک‌های هزینه‌ای حرکت شود.

#### ۵.۴. تعیین مدل خطی و فازی‌سازی

ساختن مدل اولیه برنامه‌ریزی خطی برای جواب بهینه در AHP:

- تابع هدف را، تابع بهره‌وری تخصیص بهینه تعریف می‌کنیم، که هدف آن حداکثر کردن بهره‌وری و کارایی تخصیص یارانه انرژی به زیربخش‌های اقتصادی-اجتماعی است.

براساس مطالعات انجام شده، ضرایب نهایی محاسبه‌شده در روش AHP اولویت اخذ یارانه را در بین زیربخش‌های اقتصادی-اجتماعی مشخص می‌کند که ضرایب تابع هدف تعریف می‌شوند و ضرایب بزرگتر، نشان‌دهنده تولید بهره‌وری بیشتر در تخصیص یارانه است. در تابع هدف تعریف شده در برنامه‌ریزی خطی اگر محدودیتی در حداقل یارانه دریافتی برای زیربخش‌های اقتصادی-اجتماعی تعریف

نشود، تمام مقادیر یارانه، به زیربخش خدمات اختصاص داده می‌شود تا تابع بهره‌وری یارانه به حداکثر خود برسد بنابراین برای زیربخش‌های سه‌گانه (صنعت، کشاورزی، خدمات) بایستی حداقلی را که در سال ۱۳۸۵ اتفاق افتاده است در نظر بگیریم زیرا می‌خواهیم با تخصیص مجدد یارانه به این سه بخش، مقدار بیشتری ارایه شود و مقادیر سال قبل کاهش نیابد. برای دو زیربخش دیگر یعنی زیربخش خانگی و حمل‌ونقل باید بصورت منطقی مقادیر حداقلی آنها مشخص شود.

- زیر بخش خانگی: برای مشخص شدن حداقل یارانه انرژی دریافتی در این زیربخش از پتانسیل صرفه‌جویی استفاده می‌کنیم. برای محاسبه میزان پتانسیل صرفه‌جویی از الگوی مصرف استفاده می‌کنیم. در تعریف الگوی مصرف برای مصارف معمولی و منطقی یک خانوار در مصرف برق، الگوی مصرف ۷۰ درصد از مصرف کنندگان در دامنه‌های تعریف شده است (از تفصیل دسته‌بندی انجام‌شده در وزارت نیرو صرف‌نظر می‌کنیم). یعنی هفت دهک مصرفی را پوشش می‌دهد و سه دهک انتهایی مصرفی از آن عدول می‌کنند و یابه‌تعبیر بهتر، حدود ۳۰ درصد پتانسیل صرفه‌جویی در مصرف برق وجود دارد که با تحریک قیمتی و فرهنگ‌سازی در کوتاه‌مدت حاصل می‌شود و نیاز به تغییرات تکنولوژیک نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

در مصرف گاز طبیعی نیز وضعیت همینطور است، برای هفت دهک مصرفی جریمه‌ای در نظر گرفته نشده و برای سه دهک باقیمانده جریمه‌ها بصورت پلکانی اعمال می‌شود. یعنی، در آنجا نیز ۳۰ درصد پتانسیل صرفه‌جویی وجود دارد که با انگیزه قیمتی حدود ۳۰ درصد مصرف کاهش می‌یابد.<sup>۲</sup> مجموع گاز طبیعی و برق حدود ۸۰ درصد از مصرف بخش خانگی را تشکیل می‌دهد که اگر فرآورده‌های نفتی مصرفی نیز ۳۰ درصد امکان صرفه‌جویی مصرف انرژی داشته باشند، می‌توان ۳۰ درصد پتانسیل صرفه‌جویی برای بخش خانگی بدون تغییرات تکنولوژیکی تصور کرد، هرچند که این امر برای بلندمدت قابل‌افزایش می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت، در ابتدا ۳۰ درصد از مصرف قابل صرفه‌جویی است. متناسب با حجم یارانه در یافتی در سال ۱۳۸۵، سهم یارانه بخش خانگی می‌بایست از ۲۳/۳ درصد به ۱۶/۳۱ درصد کاهش یابد تا ۳۰ درصد کاهش مصرف اتفاق بیفتد.

- زیر بخش حمل‌ونقل: کارت سوخت در قسمت سوخت بنزین توانست در سال ۱۳۸۶، ۲۰ درصد<sup>۳</sup> صرفه‌جویی در مصرف ایجاد کند. آنچه که در کارتی کردن سوخت و به تعبیری سهمیه‌بندی سوخت اتفاق افتاد، استفاده‌نکردن از بنزین با انگیزه قیمتی و به مقادیر سوخت سهمیه‌بندی اکتفا کردن بود. حال

۱. مبتنی بر نظرات کارشناسان دفتر انرژی و اطلاعات و مستندات.

۲. مبتنی بر مستندات شرکت ملی گاز ایران.

۳. تراز نامه سال ۱۳۸۶.

قابل تصور است که اگر بنزین با قیمت‌های بالاتر عرضه شود سفرهای غیرضروری در جامعه بهتر می‌تواند مدیریت شود. استفاده از حمل‌ونقل عمومی و توسعه روزافزون آن می‌تواند این صرفه‌جویی را تثبیت کند. در مورد گازوییل نیز می‌توان همین وضعیت را تصور کرد هرچند تا به امروز سهمیه‌بندی آن محقق نشده است اما دور از ذهن نمی‌باشد. در مجموع این دو فرآورده حدود ۹۵ درصد از یارانه بخش حمل و نقل را به خود اختصاص داده‌اند، بنابراین کاهش سهم یارانه بخش حمل‌ونقل از ۴۴/۸ درصد به ۳۵/۸۴ درصد به کاهش ۲۰ درصدی در مصرف این دو فرآورده در بخش حمل‌ونقل در کوتاه‌مدت منجر خواهد شد. یعنی حداقل یارانه دریافتی در ابتدا نمی‌بایست از ۳۵/۸۴ درصد کمتر باشد و به تعبیری این کاهش مصرف یارانه، کمترین آثار را در این بخش دارا می‌باشد.

ساختار اولیه و جواب آن به شرح ذیل است:

$$MaxZ = 0.271X_i + 0.179X_a + 0.331X_c + 0.06X_t + 0.159X_h$$

ST :

$$X_i + X_a + X_c + X_t + X_h = 341632.7$$

$$X_i \geq 57794.2$$

$$X_a \geq 26577.3$$

$$X_c \geq 24483$$

$$X_t \geq 122577.8$$

$$X_h \geq 55720.3$$

$$Z = 62770.55$$

$$X_i = 57794.2$$

$$X_a = 26577.30$$

$$X_c = 79010.62$$

$$X_t = 122577.81$$

$$X_h = 55720.3$$

در بررسی جواب حاصل از مدل پیشنهادی به نکات زیر می‌توان اشاره نمود.

۱- به جز زیربخش خدمات سایر زیربخش‌ها فقط مقادیر حداقلی خود را دریافت کرده‌اند.

۲- با توجه به ضرایب تابع حداکثرسازی، بیشترین یارانه انرژی به زیربخش خدمات و کمترین تمایل به زیربخش‌های خانگی و حمل‌ونقل می‌باشد هرچند به دلیل قیدهای محدود کننده، در جواب نهایی این اتفاق نیفتاده است.

#### ۶.۴. فازی‌سازی سناریوی پایه (فازی‌سازی محدودیت‌های سناریوی پایه)

تخصیص در قسمت خانگی کمترین فاصله را با جواب بهینه این زیربخش دارد و ازسویی زیربخش حمل‌ونقل سبب دورشدن از جواب بهینه شده است بنابراین در فازی‌سازی محدودیت‌ها، محدودیت تخصیص یارانه زیربخش حمل‌ونقل موردنظر خواهد بود و آنرا در سه سناریوی ۵، ۱۰ و ۱۵ درصد انحراف از کل یارانه تخصیصی بررسی می‌کنیم تا ویژگی تدریجی بودن تخصیص را در سالهای بعد لحاظ کرده باشیم و رفتار تابع را در تخصیص‌های بعدی بررسی کنیم. باین توضیح، حجم یارانه و سایر محدودیت‌ها ثابت فرض می‌شود.

از روش ورنر جهت حل آن استفاده خواهد شد که در روش شناسی به آن پرداخته شده است.

الف - ۵ درصد انحراف از سناریوی پایه جهت تخصیص یارانه زیربخش‌ها در نظر گرفته می‌شود.

الف - ۱- جواب پایه را بدست می‌آوریم. (قبلا محاسبه شده است)

الف - ۲- جواب برای حالت استفاده از حداکثر انحراف مجاز بدست می‌آید.

الف - ۳- فازی‌سازی انجام می‌شود.

$$MaxZ = 0.271X_i + 0.179X_a + 0.331X_c + 0.06X_t + 0.159X_h$$

ST :

$$X_i + X_a + X_c + X_t + X_h = 341632.7$$

$$X_i \geq 57794.2$$

$$X_a \geq 26577$$

$$X_c \geq 24483$$

$$X_t \geq (122577.8 - 17081.64) = 105496.16$$

$$X_h \geq 55720.3$$

$$X_i \leq 92582.46$$

$$X_a \leq 61152.25$$

$$X_c \leq 113080.42$$

$$Z = 67399.66$$

$$X_i = 57794.2$$

$$X_a = 26577$$

$$X_c = 96044.740$$

$$X_t = 105496.16$$

$$X_h = 55720.3$$

$Max \lambda$

$s.t :$

$$0.271X_i + 0.179X_a + 0.331X_c + 0.06X_t + 0.159X_h - 4629.05\lambda \geq 62770.55$$

$$X_i + X_a + X_c + X_t + X_h = 341632.7$$

$$X_i \geq 57794.2$$

$$X_a \geq 26577$$

$$X_c \geq 24483$$

$$X_t - 17081.64\lambda \geq (122577.8 - 17081.64)105496.16$$

$$X_h \geq 55720.3$$

$$X_i \leq 92582.46$$

$$X_a \leq 61152.25$$

$$X_c \leq 113080.42$$

$$\lambda = .5000$$

$$X_i = 57794.2$$

$$X_a = 26577.3$$

$$X_c = 87503.84$$

$$X_t = 114037.1$$

$$X_h = 55720.3$$

برای دو حالت ۵ و ۱۰ درصد انحراف، مانند حالت (الف) مراحل را تکرار می‌کنیم و برای جلوگیری از افزایش حجم مقاله نتایج عددی موردنیاز آن در تحلیل‌ها استفاده خواهد شد.

سناریوی دوم: ۱۰ درصد انحراف

$$Z = 72026.04 \quad \lambda = .5000$$

$$X_i = 57794.2 \quad X_i = 57794.2$$

$$X_a = 26577.3 \quad X_a = 26577.3$$

$$X_c = 113080.4 \quad X_c = 96042.21$$

$$X_t = 88414.5 \quad X_t = 105498.7$$

$$X_h = 55720.3 \quad X_h = 55720.3$$

سناریوی سوم: ۱۵ درصد انحراف

$$Z = 75630.26 \quad \lambda = .5192$$

$$X_i = 74921.78 \quad X_i = 57794.2$$

$$X_a = 26577.3 \quad X_a = 26577.1$$

$$X_c = 113080.4 \quad X_c = 103601.1$$

$$X_f = 71332.90 \quad X_f = 97939.79$$

$$X_h = 55720.3 \quad X_h = 55720.3$$

در بررسی نتایج فازی‌سازی جواب بهینه پایه با سه سطح سناریوی تغییر ۵، ۱۰ و ۱۵ درصد از حجم کل یارانه تخصیصی بین زیربخش‌ها، نتایج زیر مشاهده می‌شود:

- با اعمال تغییرات کامل و به عبارتی  $\lambda = 0$ ، تابع بهره‌وری تخصیص یارانه حدود ۱۳ هزار واحد افزایش بهره‌وری نشان می‌دهد؛ و این افزایش کاملاً قابل پیش‌بینی است زیرا با افزایش آزادی متغیرها در انتخاب تخصیص مناسب، بهره‌وری افزایش خواهد یافت و این امر در هر سه سناریو مشاهده می‌شود.
- با فازی‌سازی و انجام محاسبات، حداکثرکننده سیستم، عدد تقریبی ۰/۵ بدست می‌آید، با اعمال ضریب و مقادیر بدست‌آمده،  $Z$  یا همان تابع بهره‌وری در حالت فازی برای سه سناریو از مقدار آن در حالت اعمال تمام آزادی کمتر بوده که منطقی است.
- همانطور که میزان  $Z$  فازی در هر سه سناریو متفاوت است، مجموعه جوابها کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده که ناشی از میزان پذیرش انحراف متفاوت در سناریوی‌ها است.

## ۵. نتیجه‌گیری

۱. معیارهای شش‌گانه اولویت تخصیص یارانه انرژی شامل: رشد اقتصادی، شدت انرژی، شدت کاربری، تورم، هزینه‌اجتماعی آلاینده‌ها و بهبود توزیع یارانه انرژی در دهک‌های هزینه‌ای تعریف شده است.
۲. در ترجیح بین معیارهای اولویت تخصیص یارانه، به ترتیب تورم < رشد اقتصادی < شدت کاربری < بهبود توزیع یارانه انرژی < شدت انرژی < هزینه‌اجتماعی آلاینده‌ها، با اعداد ۰/۲۵۱، ۰/۲۰۰، ۰/۱۹۹، ۰/۱۳۸، ۰/۱۱۴ و ۰/۰۹۸ بیشترین اولویت را به خود اختصاص داده‌اند.
۳. در توزیع یارانه انرژی در بین دهک‌های هزینه‌ای دهک‌های اول تا ششم اولویت یکسان داشته و دهک‌های هفتم تا دهم سهمی در اخذ یارانه انرژی نخواهند داشت.
۴. در معیارهای شدت انرژی، هزینه‌اجتماعی آلاینده‌ها، رشد اقتصادی، تورم و شدت کاربری نحوه مقایسه بین زیربخش‌ها بواسطه کمی‌بودن بصورت دقیق محاسبه‌شده و ناسازگاری آنها صفر است.

۵. براساس مطالعات تحقیق رتبه‌بندی زیربخش‌های اقتصادی در دریافت یارانه انرژی براساس معیارهای تعریف شده به ترتیب عبارتست از: خدمات < صنعت < کشاورزی < خانگی < حمل‌ونقل، با وزن-های ۰/۳۳۱، ۰/۲۷۱، ۰/۱۷۹، ۰/۱۵۹ و ۰/۰۶.
۶. در رتبه‌بندی معیارها و اولویت‌های تخصیص یارانه انرژی، دغدغه‌های اصلی جامعه کاهش تورم و کاهش نرخ بیکاری و افزایش رشد اقتصادی است و توانسته‌اند بیشترین رتبه را در ارزیابی کسب کنند.
۷. در مقایسه دو سناریو آن سناریو که میزان انحراف مجاز آن بیشتر باشد میزان انحراف آن از تخصیص بهینه پایه بیشتر می‌شود و به سمت تخصیص یارانه بیشتر به زیربخش خدمات و کاهش سهم بخش حمل‌ونقل حرکت می‌کند.
۸. در جواب بهینه و پایه اولیه، نسبت تخصیص بهینه از کل یارانه برای زیربخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات، حمل‌ونقل و خانگی به ترتیب برابر است با ۱۶/۹، ۷/۸، ۲۳/۱۱، ۳۵/۸۸ و ۱۶/۳۱ درصد.
۹. با وارد نمودن انحراف مجاز از نسبت تخصیص یارانه انرژی به زیربخش حمل‌ونقل، بخش خدمات با افزایش انحراف مجاز به سهم ۳۰/۴ درصدی و زیر بخش حمل‌ونقل به سهم ۲۸/۶ درصدی از کل یارانه انرژی می‌رسد.

### منابع و مآخذ

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سایت ب.م.ج.ا.ا.، سری زمانی ارزش افزوده اقتصاد ایران. دفتر برنامه‌ریزی انرژی-وزارت نیرو، ترازنامه انرژی، سالهای مختلف.
- سبوحی، پد... (۱۳۷۷)، تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۰ و ۱۱ (پیاپی ۳۵)، صص: ۱۰۷-۱۱۹.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۸۵.
- مرکز آمار ایران، سایت مرکز آمار ایران، سرشماری اشتغال سال ۱۳۸۵.
- مریدی فریمانی، فاضل (۱۳۸۵)، حذف یارانه‌های انرژی و ارزیابی آثار توزیعی آن (تحلیل داده - ستانده)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- وزارت نفت، ترازنامه هیدرو کربوی سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.
- وانگ، لی (۱۳۸۵)، سیستم‌های فازی و کنترل فازی، (محمد تشنه‌لب، نیما صفارپور، داریوش افیونی)، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.

Albayrakoglu, M.M.(1996), "Justification of New Manufacturing Technology: A Strategic Approach Using The Analytical Hierarchy Process", *Production and Inventory Management Journal*, first quarter, pp. 71-76.

Angel-Urdinola, Diego.,and Woden,Quentin(2007),"Do Utility Subsidies Reach The Poor? Framework and Evidence for Cape Verde,Sao Tome, and Rwanda", *Economics Bulletin* ,Vol.9, No.4, pp.1-7.

Bohringer,C.(1998),"The Synthesis of Bottom-Up and Top-Down in Energy Policy Modelling" .Elsevier ScienceB.V.

Gass, S.I(1986), "A process for Determining Priorities and Weights for Large-scale Linear Goal Programmes", *Journal of Operations Research Society*, Vol. 37 No. 8, pp. 779-785.

Hartono .D, Resosudarmo, B(2006), "The Economy–Wide Impact of Fuel Oil, Gas and Electricity Pricing and Subsidy Policies as Well as Their Consumption Improvement Efficiency In Indonesia", Working Paper, Department of Economics Padjadjaran University.

Jain, V(2006),"Political Economy of Electricity Subsidy: Evidence From Punjab", *Economic And Political Weekly*, PP,4072-4080.

Jensen,J.,and David,T.(2002),"Trade, Foreign Exchange Rate, and Energy Policies in IRAN: Reform Agenda, Economic Implications and Impact on The Poor", World Bank, Policy Research Working Paper.

Johansson, M.V.(2004), "Allocation and Exante Cost Efficiency of a Swedish Subsidy for Environmental Sustainability: The Local Investment Program", Working Paper, Uppsala University.

Korhonen, P. and Wallenius, J.(1990), "Using Qualitative Data in Multiple Objective Linear Programming" *European Journal of Operational Research*, Vol. 48 No. 1, pp. 81-7.

Lewis, J.D.(1993), "Energy Pricing, Economic Distortion and Air Pollution in Indonesia", Discussion Paper, Harvard Institute for International Development, Harvard University.

Manzoor,D.,Shahmoradi,A.,Haqiqi,I(2009),"An Analysis of Energy Price Reform: A CGE Approach",*International Energy Workshop*, June.Venice, Italy.

Saaty, T.L.(1990),"Decision Making for Leaders", RWS Publications,USA.

Saaty, T.L.(1990),"An Exposition On The AHP In Reply To The Paper Remarks On The Analytic Hierarchy process", *Management Science*,Vol.36,PP.259-68.

Saaty, T.L. (1994a), "How to Make a Decision: The Analytic Hierarchy Process", *Interfaces*, Vol. 24, No.6 , pp.19-43.

Tavana, M. and Banerjee, S(1995), "Strategic Assessment Model (SAM): A Multiple Criteria Decision Support System for Evaluation of Strategic Alternatives"

Decision Science, Vol. 26 No. 1, pp. 119-43.

Zahedi, F(1986), "The Analytic Hierarchy Process–A Survey of The Method and Its Applications", Interfaces, Vol. 16 No. 4, pp. 96-108.

فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی